

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۱ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

بحران اصلی افغانستان سیاسی است نه اقلیمی

تغییرات اقلیمی در سراسر جهان حس می‌شود. برخی کشورها با گرما، برخی با کم‌آبی، آتش‌سوزی، خشکسالی و خاک‌باد، و تعدادی با باران‌های بی‌موقع و سیلاب‌های ویران‌گر این تغییرات را حس می‌کنند. در این روزها از منطقه ما تا جنوب اروپا و بخش‌هایی از امریکا خبرهای مثبت کم‌سابقه‌ترین گرما نشر می‌شود. این بحران‌ها اثرات دردناک اقتصادی و بشری به‌جا می‌گذارند. جوامع و خانواده‌ها آسیب می‌بینند و زیرساخت‌ها و نهادها تحت فشار شدیدند. فجاجع طبیعی و شرایط جوی بحرانی برای بشر تازه نیست، بلکه انسان‌ها در کوره همین فجاجع و بحران‌ها پخته شده و توانسته‌اند خطرهای بزرگ را به فرصت بدل کنند. در گذشته‌ها تاثیرات محیطی به دلیل ناتوانی علمی و فنی بشر، به‌مراتب بیشتر بوده است. نکته تازه در وضعیت کنونی، به گفته دانشمندان، این است که برای اولین بار انسان عامل فعال و بسیار مهم در خلق این بحران‌های طبیعی شده است. مصرف‌گرایی و افراط در دست‌کاری محیط زیست، طبیعت را دگرگون کرده است. در ارتباط به عواقب این تحول، تبصره‌ها و تحلیل‌های گوناگون می‌شود و برخی سازمان‌ها و کارشناسان سناریوهای آخرزمانی را مطرح می‌کنند. با این‌حال، خبرهای خوش نیز کم نیست. چین، از بزرگترین سهامداران آلاینده‌گی، در مسیر معرفی انرژی پاک پیشرفت چشمگیر داشته و در برخی عرصه‌ها پیشتاز است. از جمله در تولید انرژی خورشیدی بیش از آنچه در برنامه‌هایش اعلام کرده بود، در سال‌های اخیر دستاورد داشته است. ایجاد کمربند سبز، کاهش مصرف زغال، مدیریت آب و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای عبور از وضعیت کنونی در چین و تعدادی از کشورهای دیگر جهان خوش‌بختانه در حال افزایش است. مهم‌تر از آن ظرفیت جوامع پیشرفته در تحقیق و توسعه، امیدهای زیادی را برای خلق تدابیر انقلابی و تحول‌ساز همیشه زنده نگه می‌دارد. به‌تازگی در روزنامه تلگراف مقاله‌ای به قلم امبروس اوانس در مورد ذخایر نامحدود هایدروجن «سفید» که انرژی پاک است، به نشر رسیده و در آن گفته شده است که «منابع فراوان هایدروجن طبیعی زیر پای ما قرار داد و احتمالاً بتوان آن را با قیمتی استخراج کرد که دنیای رقابت انرژی را متحول سازد و بازار را از {گاز} می‌تازان {که امروز منبع اصلی انرژی است}»

براید.» تلاش‌ها تنها در عرصه تولید انرژی پاک سرعت نگرفته است، بلکه علم دستاوردهای غیرقابل‌پیش‌بینی بسیاری را برای آینده بشر در آستین دارد. معرفی بتری‌ها و ذخیره‌گاه‌های موثر انرژی، اصلاحات روزافزون در ماشین‌آلات برای کاهش مصرف، اختراعات و اکتشافات روزافزون در عرصه تولید مواد غذایی و مدیریت آب، و شاید خیلی از اتفاقات مثبت دیگری که تلاش جمعی میلیون‌ها دانشمند، ده‌ها هزار مرکز تحقیق و توسعه و لشکر بزرگی از دانشگاه‌ها در سراسر جهان به ارمان خواهند آورد، پیش‌بینی‌های آزرمانی را نادرست ثابت خواهد کرد. این اولین‌بار نیست که آدم‌ها احساس می‌کنند بر لبه پرتگاه قرار دارند، بلکه در گذشته نیز چنین تصوراتی از طبیعت و نقش انسان‌ها در ویرانی وجود داشته است. تحولات بزرگ و تاریخ‌ساز نیز در اوج این ترس‌ها رخ داده است. ترس امروز نیز به کمک دانش بشری به فرصت بدل خواهد شد. مساله کشورهای درگیر بنیادگرایی و جنگ، از جمله افغانستان، عقب‌ماندن از تحولات علمی و فنی است. ما در عصر پر از اعجاز و تحول، زمانی که گروهی از آدم‌ها به نجات زمین و کشف رازهای کهکشانی مشغولند، گرفتار نیرویی شده‌ایم که مساله اصلی کشور را کنترل پوشش زنان و مردان، «روشن ساختن» حرامی و حلالی آموزش، درستی و نادرستی پرداختن به امور دنیایی، و اهمیت شهادت‌طلبی اعلام می‌کند.

در مدیریت عواقب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیری جوامع با توجه به امکانات علمی و اجتماعی هر کدام متفاوت است. دو سوی دریای آمو یک حوزه اقلیمی است، اما تاثیر تغییرات جوی بر دو سوی آن دریا مشابه نیست. مناطق افتاده در دامنه‌های هندوکش و هیمالیا با تغییرات جوی نسبتاً مشابه مواجه‌اند، ولی وضعیت زراعت و آبیاری، دسترسی مردم به آب آشامیدنی، قحطی و طوفان‌های شنی در افغانستان و دیگر سرزمین‌های واقع در دو سوی این سلسله‌کوه‌ها بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها ناشی از وضعیت طبیعت کشور ما نیست، بلکه نتیجه بحران سیاسی می‌باشد.

مقیاس‌های شرم‌آور

مردم در نقاط مختلف افغانستان این روزها از کم‌آبی، و هوای آلوده و طوفانی شکایت دارند. از بلخ و فاریاب گرفته تا بامیان و کابل، از غزنی و قندهار تا هرات و فراه تصاویر و گزارش‌هایی از شکایت و نگرانی مردم از وضعیت جوی نشر می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی نیز در گزارش‌های رسمی تصویر نگران‌کننده از کشور ما می‌دهند. دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) اعلام کرده که افغانستان از جمله آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان در برابر تغییرات اقلیمی است. آن سازمان کشور ما را در میان ده کشوری مواجه با بیش‌ترین حوادث آب‌وهوایی شمرده است. به گفته آن سازمان، خشکسالی تشدید می‌یابد و منابع معیشتی مردم را نابود می‌کند. تنها زراعت و مالداري با کمبود آب مواجه نیست بلکه اوچا می‌گوید که ۲۱,۲ میلیون تن در افغانستان به آب آشامیدنی صحتی دسترسی ندارند. آن سازمان راه حل را کمک‌های بشری خوانده و اعلام کرده است که اگر ۴۷۹ میلیون دالر کمک شود، برای سال جاری میلادی بحران آب و بهداشت در افغانستان مهار خواهد شد. از همین عدد کمتر از نیم میلیارد دالر پیشنهادی اوچا برای مهار بحران آب آشامیدنی در کشور می‌توان فهمید که این مشکل در مقایسه با بحران‌های امروز بشر چقدر کوچک است، و بیش از آن که محصول تغییرات جوی باشد، نتیجه بی‌حکومتی و فقدان ظرفیت اجتماعی و سیاسی است. در زمانه‌ای که آدم‌ها در صحرای سینا، دشت‌های عربستان و سواحل بی‌باران خلیج فارس قادرند آب فراوان تهیه کنند، ساکنان دامنه‌های هندوکش و سواحل آمو، هیرمند و هریرود چرا باید برای آب نوشیدنی، وضو و کالاشویی چشم‌به‌راه حمایت جهانی باشند؟ این نیازها و مقیاس‌های شرم‌آورش حکایت از بحران سیاسی و بی‌دانشی عمیق جامعه ما دارد، نه فاجعه طبیعی و بحران مدیریت‌نشده آب‌وهوایی.

پیش از آن، برنامه جهانی غذا در گزارشی گفته بود که افغانستان با کمبود گندم مواجه است. به نقل از آن گزارش، ملخ‌ها و خشک‌سالی کشتزارهای سنتی و آسیب‌پذیر مردم را تخریب کرده است و گفته می‌شود که نزدیک به ۲۹ میلیون تن در سراسر کشور به حمایت مالی و غذایی نیازمندند. این ارقام می‌گوید که جامعه افغانستان از هر گونه تحرک و کار و تدبیر خالی شده، رشته‌های سنتی از هم گسیخته و جایش را نهادها و سیستم‌های مدرن نگرفته است، و میلیون‌ها انسان در گرداب ناشی از جنگ و عقب‌مانده‌گی غرق می‌شوند. برنامه جهانی غذا گفته است که ۲۵ ولایت افغانستان در آستانه شرایط اضطراری قرار دارد و حدود ۲۰ میلیون تن نمی‌توانند غذای کافی بخورند.

سیری اداره طالبان و گرسنه‌گی مردم

طالبان نسبت به گزارش‌های هشداردهنده نهادهای بین‌المللی و شکایت‌های باشندگان سکوت می‌کنند و گاهی با مراجعه به ارقام دیگری که سازمان‌های بین‌المللی در مورد عواید، نرخ صادرات و تورم نشر کرده‌اند، اعلام می‌کنند که گزارش‌ها در مورد بحران اقتصادی افغانستان تبلیغات است. گاهی هموطنان سیر در خارج از کشور نیز با خواندن گزارش‌های به‌ظاهر متناقض نهادهای بین‌المللی دچار سردرگمی شده و می‌پرسند که وقتی نرخ تورم منفی است، نرخ ارز ثابت مانده، صادرات افزایش یافته و عواید امارت طالبان بیشتر شده، آن‌گاه چطور می‌توانیم بگوییم که کشور در بحران اقتصادی قرار دارد و مردم گرسنه‌اند؟ کسانی که در داخل افغانستان به فرزندان‌شان نان کافی داده نمی‌توانند، در سرونوکردن خرج هرروزه در می‌مانند، روزها در جاده‌ها به جست‌وجوی چند ساعت کار سرگردانند، و گاه کسانی از آنان مجبور می‌شوند گرده یا فرزند خود را بفروشند نیز شاید وقتی از افزایش عواید طالبان و اعلام نرخ منفی تورم می‌شنوند همان سوال‌ها را بپرسند، ولی هرگز شک نمی‌کنند که کشور دچار بحران اقتصادی شدید است. چرا که آنان با دیدن جیب خود، دسترخوان اقارب، چهره همسایه‌گان و همشهریان می‌دانند که ملت دچار بحران اقتصادی و گرسنه‌گی شدید است.

واقعیت این است که طالبان نسبت به دو سال گذشته بسیار سیرتر شده‌اند، اداره طالبان از طریق گردآوری مالیات، محصولات گمرکی، عشر و کمک‌های علنی و پنهان خارجی از بودجه‌ای برخوردار شده است که اقلیت رهبری، مسوولان اداری و فرماندهان آن گروه صاحب معاش و خرج دسترخوان کافی باشند و برای ساختن مدرسه و ترمیم برخی جاده‌ها، برگزاری محافل و تبلیغ افراطیت پول در اختیار داشته باشند. طالبان در نزدیک به دو سال گذشته چون گروه مهاجم و غاصب به‌تدریج مردم را به حاشیه رانده و منابع عایداتی و فرصت‌های شغلی را از آنان گرفته‌اند. نهادهای اجتماعی غیرمدرسه‌ای را فلج کرده، مکاتب را بسته، دانشگاه‌ها را از کادرهای علمی و محصلان بلندپرواز و امیدوار خالی کرده‌اند. برگشت طالبان به قدرت سقوط علمی، اداری و بشری کشور بود. در این شرایط سخت، نظام‌های رسمی و غیررسمی جامعه فروپاشیده و مردم به گله‌هایی از موجودات سرگردان بدل شده‌اند که طالبان مدعی چوپانی و کنترل آنانند، نه عرضه خدمات به آنان و رهبری و حمایت‌شان.

سکوت جامعه جهانی در برابر بحران سیاسی افغانستان، همراهی سازمان ملل و زیرمجموعه‌هایش با جریان ارتجاعی‌ای که جامعه ما را به عقب می‌برد، و ارایه ارقام سیاه از وضعیت مردم و راحل‌های پروژه‌های و تسکینی در نجات ملت ما موثر نخواهد بود. تکیه بیش از حد به ابعاد طبیعی بحران افغانستان گمراه‌کننده است. طبیعت کشور ما زیبا و پر از امکانات زنده‌گی آبرومند است. داروی رنج‌های ناشی از نوسان در بارش باران و برف، داشتن دانش و جامعه مترقی است. اگر بحران سیاسی را مهار کنیم، باد شدید، آفتاب درخشان و سیلاب‌های خروشان به‌آسانی از ما قربانی نخواهند گرفت و حتی می‌توان آن‌ها را مهار کرده و به خدمت آبادی و سرسبزی درآورد. برای نجات از گروهی که خوره دانش، فرهنگ، آزادی، کار و آبادی است، تدبیر بسنجیم.